



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

محمود مشرف تهرانی - م. آزاد

نیلوفری که «آزاد» رست

علی باباچاهی

م. آزاد یکی از چهره‌های مشخص و معتبر دهه‌ی چهل - پنجاه است. شاعری است که نمی‌توان از کنار او به سادگی بگذریم. او علاوه بر شعر در حوزه‌ی نقد و ادبیات کودکان فعالیت‌های درخور توجه و تأثیرگذار داشت. آزاد تا به زبان صریح، به دور از ابهام و مستقل برسد، تجربه‌های مختلفی را از سرگذرانده است. اولین تجربه‌های او که تعدادی از آنها در نخستین مجموعه شعرش - «دیار شب» - هم آمده به شیوه‌ی قدمایی است. آزاد به گفته‌ی خودش در این مقطع غزل‌هایی از حافظ را تضمین می‌کند و یا به شیوه‌ی مسعود سعد دست به تجربه‌هایی می‌زند. او در همین زمان تحت تأثیر فریدون توللی قرار می‌گیرد ولی خیلی زود راه خود را باز می‌یابد. علاوه بر این زمانی به تعمق در آثار گذشتگان می‌پردازد و شیفته‌ی زبان پهلوی می‌شود و به ساختن ترکیب‌های کهن دری می‌پردازد و قصیده و قطعه را نیز به قصه تفریح می‌سازد. تا این مقطع مؤلفه‌های شعر آزاد را می‌توان برشمرد:

گرایش نسبتاً محسوس به فخامت بیان
رویکرد به تمثیل و اساطیر که غالباً رو به آفاق شهر کلاسیک دارند

توجه به کارکردهای اوزان نیمایی

فرم‌گرایی

و بالاخره رسیدن به جایی که می‌گوید: «شعر، همیشه برای من امری خصوصی بوده، همان‌طور که درخت برای ملاحظات میوه نمی‌دهد.»

م. آزاد در دهه‌ی چهل - پنجاه با تعریف و تلقی خاصی از تفاوت، شاعری متفاوت‌نویس بوده است، بدین معنا که از زبان رایج و کلیشه‌های شعر ایضاحی فاصله‌گیری کرده است. شعر متفاوت او در واقع فرایند خلاقیتی فردی است و هیچ ربطی به متفاوت‌نویسی شعر حجم - که در جای خود قابل بحث است - ندارد. تفاوت‌نویسی آزاد معطوف به تصویرهای تازه و ایجاد فضاهای منحصربه‌فرد در شعر است. کلمات محوری شعر او همچون یاس، نیلوفر، آسمان، کوچه، باران، گل‌های کاغذی و... در آفرینش تصویر و ایجاد فضاهای تازه‌ی شعری او نقش مؤثری دارند. م. آزاد یکی از شاعرانی است که به دقایق زبانی و ژرف ساختارهای شعر نیما احاطه‌ی کامل دارد. از طرفی آشنایی عمیق او با ادب کلاسیک فارسی باعث می‌شود که به وزن شعر فارسی تسلط داشته باشد. یکی از منتقدین در دهه‌ی ۴۰-۵۰ نوعی سرکشی و یا فراروی آزاد را از وزن شعر فارسی از ناتوانی او می‌داند درحالی که نخستین مجموعه شعر آزاد نشان‌دهنده‌ی تسلط او بر شعر فارسی است.

آزاد نه همچون نیما خود را در چهارچوب افاعیل عروضی می‌گنجاند و نه جذب موسیقی شعر شاملویی می‌شود، شاید تیزبینی شاعرانه و همنشینی‌اش با فروغ او را به درک این نکته نزدیک می‌سازد که: نه این، نه آن! بلکه همچون فروغ به وزن پیوندی روی می‌نهد که انعطاف بیشتری دارد و به لحن مکالمه و گفتار نزدیک‌تر است. آزاد در نقد و نظر و مباحث مکتوب و شفاهی‌اش بر سیاسی و اجتماعی بودن شعرش تأکید دارد، گاه در این مورد تا سرحد تعصب پیش می‌رود به گونه‌ای که می‌خواهد به‌لحاظ سیاسی، شاعری معنا محور قلمداد شود. واقعیت امر این است که گرچه شعر م. آزاد سفارش‌های اجتماع را

درمی‌یابد و به شیوه‌ی خاص آن عمل می‌کند اما شعر او بیش از هرچه خصوصیات یک شعر تغزلی را دارد. تغزل در شعر آزاد روبه افق‌های گوناگون دارد بدین معنا که تمام آحاد و عناصر، فضا سازی‌ها و معناها در پرتو آن، حیات هنری خود را نشان می‌دهند.

آزاد شاعری عینیت‌گراست، به نحوی که در تمثیلی‌ترین و استعاری‌ترین نوع بیان، عینیت‌گرایی او مشهود است. به بیانی تمثیل و استعاره و... در شعر این شاعر مانع از آن نیست که امور ملموس و محسوس قابل دسترسی باشند. زبان شعر آزاد در پیوند مستمر با کنشی استعاری است. توضیح این‌که در عینی‌ترین موارد، شعر او از کنشی استعاری بی‌بهره نیست و در استعاری‌ترین وجه، عینیت‌گرایی در شعر او غایب نمی‌ماند. م. آزاد متأسفانه در سه دهه‌ی اخیر کمتر آثاری از خود برجا نهاد که قابل مقایسه با اشعار او در دهه‌های پیشین باشد. نسل جوان باید با درنگ بیشتری شعرهای این شاعر برجسته را مطالعه کند و از آن بهره‌برد.

بهمن ۸۴